



«نیسکلا سارکوزی» رئیس جمهوری فرانسه در سفری کوتاه و از قبل اعلام نشده به کابل، با «حامد کرزی» رئیس جمهوری افغانستان و ژنرال «دان مک نیل» فرمانده ارشد نیروهای تحت رهبری «ناتو» دیدار و درباره مسائل مختلف از جمله اعزام نیروهای بیشتر این کشور به ولایت قندهار گفتگو کرد.

هم اکنون شش فروند «میراژ» و یک هزار و ۳۰۰ نفر از نیروهای فرانسوی در چارچوب نیروهای سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در افغانستان حضور دارند. به گزارش ایرنا سارکوزی در کابل اظهار داشت: نیروهای ناتو در جنگ با تروریسم بسر می‌برند و هیچ شکستی را نخواهند پذیرفت.

در نگاه اول به نظر می‌رسد سفر سارکوزی به افغانستان در آستانه سال نو مسیحی، سفری عادی و مشابه سفر سایر مقام‌های سیاسی و نظامی کشورهای عضو ناتو است که معمولاً برای روحیه دادن به نیروها در این ایام به افغانستان سفر می‌کنند. ولی اگر سفر سارکوزی در ارتباط با قدرت گرفتن طالبان و فشار نظامی که متوجه نیروهای آمریکا و ناتو در شرق و جنوب افغانستان شده است را در نظر بگیریم، آنگاه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

این که سارکوزی به صراحت می‌گوید «ناتو با تروریسم در افغانستان درگیر جنگ است و آمادگی شکست وجود ندارد»، دقیقاً به این معنا است که فرانسه بر خلاف آن گروه از کشورهای عضو ناتو که بی میلی خود را به ادامه حضور نظامیان شان در افغانستان نشان داده‌اند، قصد دارد تا به آخر

در کنار آمریکا در افغانستان باقی بماند. این همان وعده‌ای است که سارکوزی در کنگره آمریکا، قولش را داد و اکنون قصد دارد آن را عملی کند. با این حال واقعیت آن است که تجدید قدرت طالبان در بخش‌های شرقی و جنوبی افغانستان و گسترش پایگاه اجتماعی آنها در قبایل «پشتون» در هر دو سوی خط مرزی مناقشه‌آمیز «دیوراند»، آمریکا، انگلیس، فرانسه و ناتو را با مشکلات بیشتر و آینده ابهام‌آمیزی روبرو کرده است.

این نیروها هم اکنون از دو سو تحت فشار قرار دارند: گسترش قدرت طالبان که از آن به نام تروریسم یاد می‌شود و توسعه کشت تولید و قاچاق مواد مخدر. راهبرد جدید آمریکا و ناتو در افغانستان

این واقعیت که طالبان خود را بازسازی کرده‌اند و از توان عملیاتی بالاتری نسبت به گذشته برخوردار شده‌اند تقریباً روشن است. نا آرامی و توسعه کشت خشخاش هر دو به سود طالبان عمل کرده است و شرایطی بوجود آورده است که خطر شکست نظامی آمریکا و ناتو را جدی‌تر از گذشته مطرح می‌کند.

درست به همین دلیل است که نیاز به تغییر راهبرد نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان احساس شده است. فرانسه در راهبرد نوین احتمالی در افغانستان ایفای نقش خواهد کرد. چند محور اساسی در راهبرد جدید آمریکا و ناتو وجود دارد: تأکید بر بازسازی اقتصادی افغانستان، آموزش و تجهیز تسلیحاتی ارتش و پلیس ملی افغانستان، تقسیم طالبان به

رایکال و میانه رو و شرکت کردن میانه روها در قدرت، مبارزه قاطع تر با کشت خشخاش و تولید مواد مخدر و مسدود کردن منابع مالی طالبان، اعمال فشار بر پاکستان و قطع حمایت طالبان در مناطق قبایلی. با توجه به این گونه اهداف در تغییر استراتژی آمریکا و ناتو نیاز به بازنگری در مسئولیت‌های وجود دارد که بر اساس ترتیبات «بن» در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰ ه. ش) هر کدام از کشورهای بزرگ پذیرفته بودند ولی به آنها عمل نکردند.

آموزش و تجهیز ارتش و نیروهای امنیتی افغانستان به فرانسه واگذار شد و قرار بود به کمک آمریکا، ارتش افغانستان در حدی آموزش ببیند و تسلیح شود که توان حفظ امنیت را داشته باشد. منتها اکنون روشن شده است که آمریکا و فرانسه به این مسئولیت خود عمل

نکرده‌اند. با توجه به اینکه مقوله حفظ امنیت برای نیروهای خارجی دارای اهمیت مضاعفی است این که سارکوزی در دیدار با کرزی می‌پذیرد که تعدادی نیروی زبده آموزشی به آن کشور اعزام کند تا به آموزش نیروهای افغانستان بپردازند در این رابطه قرار دارد. با این حال معلوم نیست که فرانسه به درخواست مردم و دولت کابل که خواهان اعزام نیروهای فرانسوی به جنوب و شرق افغانستان اند، چه پاسخی خواهد داد.

هم‌گرایی پاریس و واشنگتن این گفته سارکوزی که نیروهای فرانسه در افغانستان باقی خواهند ماند، در شرایطی که کشورهای ناتو به خروج نیروهای خود از این کشور تمایل دارند، نشانگر تغییر عمده‌ای در سیاست خارجی فرانسه و نزدیک شدن آن به



ناتو و جنگی طولانی در افغانستان

و انگلیس می‌تواند استفاده کند و اعتماد افغانها را جلب کند. گذشته از این، فرانسه در موقعیت مساعدتری برای کمک به تعدیل قدرت در کابل و احتمالاً شریک ساختن طالبان میانه رو در قدرت قرار دارد. بنابراین اگر قرار باشد که برای پایان دادن به جنگ در افغانستان، طالبان میانه رو سلاح بر زمین بگذارند از طریق فرانسه راحت‌تر می‌توانند وارد معامله شوند.

نقشی که با جاه طلبی‌های شخصی سارکوزی نیز سازگاری دارد. او می‌خواهد که خود را به عنوان یک قدرت مؤثر در مسائل جهانی در کنار آمریکا نگاه دارد و از این طریق منافع سیاسی - اقتصادی خود را نیز در نظر دارد.

اهداف سفر سارکوزی به کابل در محاسباتی دقیق انجام شده و اهداف بلند مدتی دارد. اهدافی که کاملاً در راستای استراتژی جدید آمریکا در افغانستان قرار دارد و به تصور سارکوزی اشتباهات فرانسه در عراق و مخالفت با جنگ آمریکا با صدام حسین را در افغانستان جبران خواهند کرد. از این رو می‌توان گفت که فرانسه در راهبرد جدید آمریکا در افغانستان نقش محوری تری پیدا خواهد کرد و در همین راستا احتمال اعزام نیروی بیشتر به افغانستان مطرح شده است. همچنین فرانسه در آموزش و مسلح کردن ارتش ملی افغانستان فرانسه نقش مهم تری برعهده خواهد گرفت. اما بنظر نمی‌رسد در مبارزه با قاچاق مواد مخدر بتواند بیش از انگلیس و آمریکا نقش یابد.

چراغ سبز غربی‌ها برای استقلال کوزوو



نماینندگان آمریکا و اتحادیه اروپا در شورای امنیت، با بی نتیجه خواندن تداوم هر نوع مذاکره‌ای درباره آینده کوزوو، عملاً به این استان صربستان برای اعلام استقلال، چراغ سبز نشان دادند.

به این ترتیب، می‌توان پیش بینی کرد که آن منطقه، با این بیانیه سیاسی و بن بست قدرتهای جهانی در شورای امنیت، روزهای حساس و سرنوشت‌ساز را پیش رو دارد. به گزارش ایرنا آمریکا و اتحادیه اروپا، خواهان استقلال کوزوو از صربستان و در مقابل روسیه با ایستادگی در کنار بلگراد، خواهان حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی صربستان است.

در سال ۱۹۹۹ میلادی و بدنبال حمله سنگین ارتش صربستان به جدایی خواهان کوزوو، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) وارد عمل شد و پس از بیرون راندن ارتش صربستان از کوزوو، اداره این استان صربستان را به سازمان ملل سپرد. شورای امنیت، رهبران صربستان و کوزوو را به نشست خود فراخوانده بود، اما در نهایت، این نشست پس از نزاع شدید میان دو تفکر، با بیانیه نمایندگان اروپا و اتحادیه اروپا پایان یافت.

چین و هند به دنبال گسترش مناسبات



چین و هند در حال برگزاری تمرینات مشترک نظامی در منطقه «کومینگ» در جنوب غرب چین هستند. تمرینات نظامی که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روابط دو جانبه آنها باشد. تأثیرگذار در تحولات بین‌المللی باشد. اصل و مبنای این تمرینات همکاری دو کشور در قلمرو مبارزه با تروریسم است، اما حاصل آن مسلمانان تقویت همکاری‌های دفاعی چین و هند خواهد بود. چین و هند این رزمایش را با عنوان «دست در دست یکدیگر - ۲۰۰۷» برگزار می‌کنند و این تمرینات حاصل توافقات دو کشور در سال گذشته برای توسعه روابط و همکاری هاست. نکته قابل توجه اینک حرکت دو کشور به سمت گسترش روابط در قلمرو نظامی و دفاعی است. پیشتر نیز دو فروند کشتی از نیروی دریایی هند در سال جاری میلادی در شهر «چینگ دائو» در شرق چین پهلو گرفتند تا رزمایش مشترکی با نیروی دریایی ارتش چین برگزار کنند. دوطرف همچنین یک ماه دفاعی سالانه برگزار کردند و هر دو کشور در بیانیه‌ای، آن رایک گام تاریخی در توسعه روابط دانستند. به هر صورت این رزمایش مشترک مسلمانان بر توسعه مناسبات در زمینه‌های دیگر تأثیرات چشمگیری خواهد داشت.

پامدهای جانبی برگزاری رزمایش برگزاری رزمایش چین و هند که است نوع خود بی‌سابقه است. پامدهای جانبی نیز بدنبال خواهد داشت. مقابله با گسترش ناتو و بنوعی مقابله با حضور نیروهای خارجی در افغانستان که از همسایگان است و مقابله چین با حضور آمریکا در اقیانوس آرام از جمله تبعات این رزمایش است. اگر چین بخواهد با نفوذ آمریکا در منطقه اقیانوس آرام مقابله کرده و بخصوص از قرار گرفتن تایوان در پوشش دفاعی آمریکا جلوگیری کند، یکی از بهترین گزینه‌ها بهبود روابط با هند است. مسأله دیگر سازمان همکاری شانگهای است که هم هند و هم پاکستان خواستار عضویت در آن هستند. چین و روسیه هدایتگران اصلی این سازمان هستند و هند اگر بخواهد پیشرفتی در عضویت در این سازمان داشته باشد، باید از چین و

تبعیدی که پکن آن را جدایی طلب می‌داند، هموارتر کند. پامدهای نزدیک شدن روابط چین و هند برای غرب اگر قرار باشد پکن و دهلی نو نقش تضمین‌کننده‌ای در مسایل حساس امروز منطقه و جهان داشته‌باشند و از سازمان همکاری شانگهای برای این منظور بهتر استفاده کنند و سدی در مقابل نفوذ آمریکا ایجاد نمایند و دست این کشور را از مناطق آسیای مرکزی، اقیانوس آرام و آسیای جنوبی کوتاه کنند، بهترین راهکار گسترش روابط دو جانبه است. از سوی دیگر چین و هند مسلماً با طرح سپر دفاعی موشکی آمریکا مخالفتند و آن را تهدیدی غیرمستقیم برای خود می‌دانند بخصوص چین که نگران است این طرح تایوان را نیز تحت پوشش بگیرد. در واقع برای حل و فصل مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی و همان طور که اشاره شد برای جلوگیری از گسترش نفوذ غرب و ناتو در مناطقی که مذکور از جمله افغانستان و حتی برای گرفتن امتیازات بیشتر از غرب و تحت فشار قراردادن غربی‌ها برای همراهی با کشورهای در حال رشد جهان، نزدیک شدن مناسبات چین و هند از بهترین و کارآمدترین اهرم‌ها محسوب می‌شود.

مشترک حرف‌های زیادی برای گفتن داشته‌باشند. ضمن اینکه هند در صدد کسب رشد اقتصادی ۱۰ درصدی است که برای این منظور تحریرات چین با دو دهه رشد اقتصادی ۱۰ درصدی برای کارساز است. اختلافات ارضی و تأثیرگذاری آن در روابط هرچند دو طرف اکنون به سمت اتحاد نظامی به پیش نمی‌روند، اما اختلافات ارضی آنها همچنان در مباحث مطرح است. با این وصف بلوغ فکری دو کشور دیگر به این اندازه رسیده‌است که وقتی دشمن مشترک وجود دارد، دامن زدن به این اختلافات همانند سال‌های ۵۰ و ۶۰ کار درستی نیست. چینی‌ها و هندی‌ها گذرگاهی را در منطقه خودمختار تبت چین بعد از چهار دهه با توافق باز کردند که بتدریج رشد اقتصادی این منطقه و رشد اقتصادی دو کشور را در پی خواهد داشت. البته هنوز چالش‌هایی مثل حضور دولت در تبعید دالایی لا ما در هند برای چین آزاردهنده است و این موضوعاتی است که پکن به آن توجه ویژه دارد. به گزارش ایرنا، بنابراین از لحاظ سیاسی ارتباط بیشتر میان چین و هند که هر دو مخالف تجزیه طلبی هستند، می‌تواند راه را برای حل و فصل مشکل دالایی لا ما و برچیدن بساط این دولت